

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

اشکال بر ثمره اول نزاع صحیح و اعم

اشکال دوم به ثمره اول

اشکال دومی که بر این ثمره وارد شده بود و مرحوم شیخ و مرحوم نائینی فرمودند این بود که نه صحیحی می‌تواند به اصالة الاطلاق تمسک کند و نه اعمی به دلیل اینکه این الفاظی که در کتاب و سنت وارد شده هیچ کدام در مقام بیان جزئیات و خصوصیات و اجزاء نیست. شارع در مقام بیان اصل تشریع است، در «اقیموا الصلاة» شارع در مقام بیان اصل تشریع است و در «الصلاة تنهی عن الفحشاء» در مقام بیان حکمت تشریع است. بنابراین یکی از شرایط تمسک به اطلاق لفظی این است که مولا و متکلم در مقام بیان همه خصوصیات باشند.

پاسخ اشکال دوم به ثمره اول

پاسخ امام خمینی

از این اشکال جواب‌های متعددی داده اند. امام (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب جواهر الاصول شاید مفصل‌تر از همه جواب این اشکال را بیان کرده اند. ایشان می‌فرمایند که اولاً ما در آیات و در روایات الفاظی که مولا در مقام بیان باشد داریم؛ و اینکه مرحوم شیخ یا مرحوم نائینی ادعا می‌کنند که چنین الفاظی نداریم این فرمایش تامی نیست.

آن وقت مثال‌هایی را در همان کتاب جواهر الاصول عنوان فرمودند. در جواهر الاصول جلد اول صفحه 320، می‌فرمایند الفاظی که در مقام بیان باشد داریم و اشاره می‌کنند به آیه طواف و آیه استطاعت در باب حج «ولله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلاً» و بسیاری از مصادیق دیگر و این یک جواب خیلی محکمی است.

بهترین نمونه‌ای که می‌توانیم مثال بزنیم این آیه وضو هست «يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاة فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق وامسحوا برؤوسكم و ارجلكم الى الكعبين»؛ شاهد این است که در این آیه «فاغسلوا وجوهكم و ايديكم» اطلاق دارد و ما باشیم و آیه می‌گوییم فاغسلوا وجوهكم و ايديكم، فرقی نمی‌کند از بالا به پایین یا از پایین به بالا شسته شود. آیه شریفه از این جهت مطلق است.

نکته

همچنین نکته‌ای را امام (رضوان الله تعالی علیه) در جواهر الاصول بر آن تکیه کردند این است که در همین آیه شریفه امام صادق (علیه السلام) به این کلمه باء در «وامسحوا برؤوسكم» استدلال می‌کند. این استدلال امام معصوم به این کلمه دلیل بر این است که شارع مقدس در این آیه شریفه در مقام بیان همه جزئیات بوده و اگر در مقام بیان همه جزئیات نباشد معنا ندارد که امام معصوم (علیه السلام) به این کلمه‌ی باء استدلال بفرمایند.

پاسخ محقق خوئی

مرحوم آقای خوئی هم همین جواب را فرموده اند. ایشان تعبیر می‌کنند به اینکه اگر کسی ادعا کند که ما در آیات و در روایات یک لفظی که متکلم در مقام بیان باشد- یعنی مطلق- نداریم، این رجم بالغیب است. و آن وقت هم از آیات و هم از روایات مثال زدند. در آیات استدلال فرمودند به آیه شریفه صیام؛ «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون». ایشان فرمودند صیام یک معنای لغوی دارد. صیام در لغت به معنای امساک عن الاکل و الشرب است. در روایات و در دستورات دینی دیگر وارد شده است که در اسلام علاوه بر امساک از اکل و شرب، از جناب و ارتماس در آب و از کذب علی الله، هم باید امساک شود. حال اگر فقیهی تردید کرد که آیا مطلق الکذب مفطریت دارد یا ندارد؟ چه کذب علی الله و چه کذب علی غیرالله، می‌تواند به اطلاق این آیه شریفه استدلال کند. در «کتب علیکم الصیام» ندارد که صیامی که در آن کذب مطلق هم نباشد و یک چنین قیدی در آن نیست. شبیه همین عبارت در کلمات امام (رضوان الله تعالی) هست که ایشان می‌فرمایند آیه صیام اطلاق دارد.

آیا به نظر شریف شما این درست است که ما بگوییم آیه صیام از این جهت اطلاق دارد، یا اینکه در خود این آیه صیام یک قرینه‌ای وجود دارد که شارع در مقام بیان این است که به مردم بفرماید این صیام یک حکم اختصاصی مخصوص شما نیست و مردم قبل هم این صیام را داشتند برای اینکه شارع می‌خواهد یک مقداری این تکلیف را آسان کند. ظاهر آیه این است که شارع در مقام بیان این جهت است، «کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم» بنابراین ما نمی‌توانیم بفهمیم و استفاده کنیم که آیه اطلاق دارد و اگر در مفطریت مطلق الکذب ما شک کردیم نمی‌توانیم به آیه شریفه صیام استدلال کنیم. بنابراین نیاز به استدلال به این آیه شریفه نیست. بهترین آیه‌ای که از نظر اطلاق، همه فقها به اطلاقش استدلال کرده اند همین آیه شریفه وضو هست که این را توضیح دادیم که اطلاق دارد.

نکته

چون این اشکال اساسش از مرحوم شیخ انصاری بود، تعجب این است که خود مرحوم شیخ انصاری در کتاب الطهاره در بحث وضوی اضطراری؛ اگر کسی یک وضوی ناقص و اضطراری گرفت، آیا این وضوی ناقص و اضطراری برای نمازهای بعد- یعنی آن زمانی که اضطرار برطرف می‌شود و می‌تواند وضوی کامل بگیرد- آیا آن وضوی ناقص و اضطراری برای نمازهای بعد، کافی است یا کافی نیست؛ خود مرحوم شیخ به «اذا قمتم الی الصلاة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم» استدلال فرموده که این آیه اطلاقش اقتضا می‌کند که باید یک وضوی کامل گرفت و آن وضوی ناقص فایده‌ای ندارد.

پس تا اینجا یک جواب روشنی دادیم و هم اثبات کردیم که در آیات شریفه قرآن مطلق وجود دارد و هم اینکه خود شیخ انصاری که صاحب این اشکال است، به مواردی از این اطلاقات استدلال فرموده است.

پرسش و پاسخ استاد

یعنی ولو قبلاً وضوی اضطراری گرفته به درد او نمی‌خورد و باید برای نمازهایی که الآن می‌خواهید اقامه کنید یک وضوی کامل بگیرید. آن وضوی ناقص به درد نمی‌خورد و اطلاق آیه آن وضوی ناقص را نفی می‌کند. وضو چند خاصیت دارد، یک خاصیتش صلاة است و ما باشیم و این آیه، «یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلاة فاغسلوا» این فاغسلوا اطلاقش اقتضا می‌کند که ولو قبلاً هم یک وضوی ناقص گرفته باشیم آن به درد نمی‌خورد و باز دوباره «فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم» می‌گوید باید یک وضوی کامل بگیرید، که البته این محل بحث است اما فتوای خود شیخ در همان کتاب الطهاره یک چنین مطلبی است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ